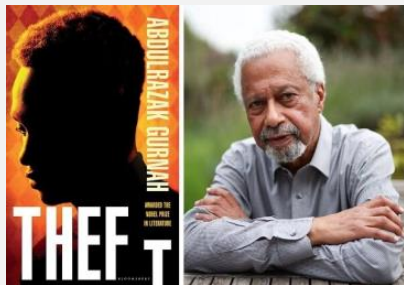


عبدالرزاق قورنه اولین رمانش را پس از کسب نوبل منتشر کرد

«تاراج» رمانی پر قدرت درباره بدهی و تعهد که در برابر رونق گردشگری در تانزانیا پس از استعمار قرار گرفته، به قلم عبدالرزاق قورنه، منتشر شد.



«تاراج» رمانی پر قدرت درباره بدهی و تعهد که در برابر رونق گردشگری در تانزانیا پس از استعمار قرار گرفته، به قلم عبدالرزاق قورنه، منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از آسوشیتدپرس، عبدالرزاق قورنه، داستان نویسی که برای «نفوذ سازش ناپذیر و دلسوزانه اش درباره تأثیر استعمار و سرنوشت پناهجویان در فرهنگ ها و قاره ها» جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۱ را دریافت کرد، رمان جدیدش را به بازار فرستاد.

قورنه که در زنگبار متولد شده و اکنون ۷۶ ساله است، سال ۱۹۶۸ به عنوان پناهنده انقلاب زنگبار به بریتانیا نقل مکان کرد. کتاب های او اغلب درباره افرادی است که مجبورند آنچه را می شناسند ترک کنند و به گفته خودش در رمان «در کنار دریا» که سال ۲۰۰۱ منتشر شد، «به مکان های عجیبی می رسند، با حمل تکه های کوچکی از گذشته شان در چمدان های درهم و برهم و با سرکوب جاه طلبی های مخفیانه و آشفته شان».

«تاراج» اولین رمان قورنه پس از کسب جایزه نوبل ادبیات، تا حدودی به همان تحقیق همیشگی او در زمینه موضوع آشنای تبعید و خاطره، خانه، اشتیاق و تنهایی مربوط است. این رمان همچنین پرتره‌ای تکان دهنده از عشق، دوستی و خیانت را در برابر رونق گردشگری تانزانیا در دهه ۱۹۹۰ ارائه می کند.

در حالی که گاردین، آبزور، آیریش تایمز و بی بی سی این رمان را در فهرست رمان های سال ۲۰۲۵ جای داده اند، منتقد گاردین از این رمان به عنوان رمان یک استاد یاد کرده که داستانی گیرا از زندگی درهم تنیده سه جوان در حال بلوغ در شرق آفریقای پسااستعماری را روایت می کند.

منتقد آبزور هم نوشته است: تسلط داستان سرایی، قطعه ای از دوران بلوغ و پانورامای پسا استعماری؛ که با سبکی بلورین روایت شده و به شما این حس لذت بخش را می دهد که با پای نویسنده ای باهوش و در عین حال با چشمان شفاف راه می روید...

داستان در دهه ۱۹۹۰ می گذرد و درباره مسیر بزرگ شدن در زنگبار است؛ ۳ جوان بسیار متفاوت؛ کریم، فوزیه و بادار در همین ایام به سن بلوغ می رسند و رویای امکانات بزرگ در کشور جوان خود را در سر می پروراند. اما برای بادار، پسر خدمتکار تحصیل نکرده ای که هرگز پدر و مادرش را نشناخته است، انگار همه درها بسته است. همانطور که هر ۳ آنها اولین گام های خود را برای شناخت عشق، شیفتگی، کار و پدر و مادر شدن برمی دارند، پیوند آنها آزمایش می شود و نویسنده آسیب هایی را عیان می کند که پشت پرده «خوبی» پنهان شده اند تا در خدمت مقاصد حيله گرانه گردشگری و استعمار باشند.

بدهی، هم به عنوان یک بار مالی واقعی و هم به عنوان یک بار نمادین عاطفی، یکی از ویژگی های مکرر نوشته های قورنه بوده است. وی اولین رمان خود که سال ۱۹۸۷ با عنوان «راه زائران» منتشر کرد را هم بر مبنای وامی بنا کرد که منجر به از دست دادن خانه خانواده ای به دیگری شده بود. در «بهشت» که در فهرست نهایی جایزه بوکر قرار گرفت هم داستان درباره تلاش یوسف جوان برای آزادی والدینش پس از گرو گذاشتن زندگی آنها نزد یک تاجر عاج در آغاز قرن بیستم، در تانزانیا بود که در استعمار آلمان بود. در «تاراج» هم موضوع وام دار بودن نشخوار فکری گسترده تری را به وجود می آورد؛ در مهمان نوازی، خودمختاری و بندگی و همچنین تمایز ظریف بین تعهد و سخاوت.

در این میان در بخش پایانی کتاب که نوجوانان دیروز جوانان امروز هستند، جزیره در بحران تغییرات عمیق است؛ قوانین ارزش کاهش یافته، هتل های بیشتر و بیشتری در ساحل پراکنده شده‌اند و خانه هایی که زمانی متعلق به سلاطین عثمانی و هندی ها بود و در بحبوحه مهاجرت پس از استقلال رها شده بودند، به مکان های میراثی تبدیل شده اند و اکنون در دست سرمایه گذاران خارجی هستند و گردشگران اروپایی در خیال پردازی های طلایی از تجملات شرقی، بدون توجه به مردم محلی به تفریح خود می‌پردازند.

«تاراج» رمانی قدرتمند، تأثیرگذار و تحریک آمیز است که برگ ارزشمند دیگری را به مجموعه آثار برجسته قورنه افزوده است. رمانی غرق در دل شکستگی و فقدان، اما درعین حال رمانی که در نهایت، با ناامیدی کنار نمی آید.

این رمان که ۱۸ مارس (۲۷ اسفند ۱۴۰۳) به بازار آمده در ۳۰۴ صفحه و به قیمت ۲۵ دلار منتشر شده است.